

بقلم: آقای قویم الدوله

متنبی در دربار سیف الدوله و عند الدوله

متنبی، ابوالطیب احمد بن محمد بن محمد بن الحسین جعفی بسال ۳۰۲ هجری قمری در محله «کنده» شهر کوفه زاد، از کودکی مولع بگفتن شعر و کسب کمال بود :

پدرش او را از عراق بشام برد و سالی چند از علماء بلاد و اعراب بادیه استفاده کرد تا در علم لغت و عربیت و فنون ادب و ایام الناس ماهر گشت. نخبه اشعار و غیره رقاصه شعراء جاهلین و مخضرمین را حفظ کرد. قوت حافظه متنبی چندان که بیک نظر آنچه درسی ورق نبشته بود حفظ میگرد.

ابوعلی الفارسی، حسن بن احمد فسایی، از مشاهیر ائمه نحو، روزی از متنبی پرسید: چند جمع بروزن فعلی در لغت عرب هست؟ متنبی در حال گفت: حجلی و ضربی. ابوعلی سه شب در مطالعه کتب لغت گذرانید که کلمه دیگری بیابد نیافت. حجلی جمع حجل است مرغی که بزبان پارسی کبک مینامند، ضربی جمع ضربان است که جانوری است بد بوی.

رشیدالدین وطواط، سعدالملک محمد بن محمد بن عبد الجلیل عمری بلخی، درباره متنبی میگفت که در اقتباس معارف و دقائق و متانت سخن جمیع شعراء اسلام عیال ابوالطیب احمد بن محمد کوفی اند.

متنبی بلند همت و شهرت طلب بود، باتکاء فصاحت بیان و بلاغت اسلوب خود، در بادیه سماوه دعوی نبوت کرد و سوره هائی بسبک قرآن کریم پرداخت: «والنجم السیار والفلک الدوار والیل والنهار ان الکفار لفی اخطار..» جمع کثیری از قبیله بنو کلب و عشائر دیگر باو گرویدند، کار بالا گرفت امیر «حص» بر سر متنبی تاخت و اصحابش را بر اکنند و شاعر جوان را روز کار درازی در زندان نگاه داشت تا توبه کرد و از دعوی خود بازگشت.

ابوالطیب متنبی شاعری حکیم و یکی از مفاخر ادب تازیست.

چون شهرت ادبی قانع شد باز اشعرش رواج یافت. بیشتر اشعار وی امثال سائره و حکم بالغه و معانی مبتکره است.

بسیاری از ائمه ادب (از جمله امام ابو الفتح عثمان بن جنی موصلی و ابو العلاء احمد بن عبدالله معری) چهل شرح بر دیوان مبتنی نبشته‌اند. ابن جنی و ابو العلاء از شعراء و از اساتید عربیت‌اند.

تعالی، ابو منصور عبدالملک بن محمد نیشاپوری، بخشی از جلد اول «یتیمه الدهر» را با نقاد اشعار متنبی اختصاص داده است.

متنبی در سنه ۳۳۷ بدر بار سیف الدوله، ابو الحسن علی بن عبدالله بن حمدان التغلبی رفت و سالها در خدمت آن پادشاه دانشور در «حلب» معرزا مکرما گذرانید، در جنگهای سیف الدوله با رومیان شرکت کرده فروسپت آموخت و از ابطال بشمار آمد.

سیف الدوله شهر یاری دلیر و بلند همت و کریم و بمعاسن اخلاق آراسته بود، در بار درخشانش محطر جال شیوخ عام و نجوم دهر و مجمع شعراء و ادباء و علماء نامی عصر بود، خود سیف الدوله هم از شعراء و ادب بهره وافق داشت.

باشعرا ن می نشست اشعارشان را انتقاد میکرد و بهر يك جوایز سینه میداد. متنبی در مدیحهش داد سخن داده و چکامه‌های شیوا چون دیبا سروده است.

از روزگار خلافت ابو حفص عمر بن الخطاب رضی الله عنه که کشور شام گشاده شد جنگ میان مسلمین و دولت با عظمت روم شرقی برپا بود، در دوران سیف الدوله شدت یافت و او را با رومیان غزواتی است. متنبی دو بیشتر این وقایع حضور داشته، قصائد غراء گفته و صلوات گران گرفته است.

امیر ابو فراس، حارث بن سعید بن حمدان، پسر عم سیف الدوله درین غزوات با رومیان دلیرها مینه‌ود. در یکی از میدانهای جنگ تیری برانش رسید و اسیر شد، رومیان وی را بقسطنطنیه بردند، چهار سال در پایتخت امپراتوری روم شرقی زندانی بود تا سیف الدوله فدیة فرستاد و آزادش کرد.

رومیات ابو فراس قصاب دیست که در محبس بیادیار و دیار گفته است، مانند حبسیات
امیر مسعود سعد سلمان همدانی .

سیف‌الدوله پادشاه شام بود، بسال ۳۵۶ در شهر حلب گذشته شد. کالدش را بمیاء
فارقین برده در آرامگاه پدرش دفن کردند.

قاضی القضاء شمس‌الدین ابوالعباس احمد بن خلکان در کتاب و فیات الاعیان
وانباء ابناء الزمان مینویسد: وكان قد جمع من نفص الغبار الذی یجتمع علیه فی غزواته
لبنة بقدر الکف و اوصی ان یوضع خده علیه .

ابوالطیب متن‌بی بسال ۳۴۶ بشهر «فسطاط» رفت و «کافور اخشیدی» والی کشور مصر
را مدح کرد، پس از چندی از کافور رنجیده او راهجا وادی نیل را ترک گفت و بمراق
باز گشت.

متن‌بی در پایان روزگار خود سفری برای زیارت عضدالدوله، ابوشجاع فنا خسرو
دیلمی، بایران کرد؛ ابن عمید ابوالفضل محمد بن الحسین، وزیر رکن الدوله حسن
ابن بویه را مدح کرد و سه هزار دینار صلّه یافت. در دربار شیراز اعزاز و اکرام دید، و در مدیح
شاهنشاه دیلمی چکامه‌های غراء سرود:

من مبلغ الاعراب انسی بعدهم
شاهدت رسطالینس و الاسکندرا؟

عضدالدوله بزرگترین تاجدار دیلمی است، بر منابر مدینه السلام بغداد پس از
نام خلیفه عباسی نام نامی وی ذکر میشد .

عضدالدوله بعنل و داد و حسن سیاست و کرم و ترفیة عباد و عمارت بلاد مشهور

است .

عضدالدوله نیز مانند سیف‌الدوله دانش دوست بود و از علم و ادب بهره‌وفایی داشت،
علماء و فضلاء و ادباء را اکرام و توقیر میکرد، شعرا را مینواخت و از احسان بایشان
چیزی فرو نمیکذاشت.

چون ابوعلی فارسی کتاب ایضاح را در علم نحو تصنیف کرد و بنظر عضدالدوله رسانید آن شاهنشاه با فرهنگ نپسندید و گفت: این کتاب برای تعلیم صبیان خوبست و در آن چیزی زیاده بر معلوماتی که من در کودکی فرا گرفته‌ام نیست.

عضدالدوله متنبی را نواخت و مقدم وی را گرامی داشت و از اشعار چون سحر حلال شاعر تازی زبان لذت می برد و آفرین میگفت.

ابن کثیر آورده است که چون عضدالدوله مال و خواسته بسیار به متنبی داد شخصی را بر آن داشت که از شاعر نامی عرب بپرسد که: صلوات سیف الدوله بیشتر بود یا عطایا شاهنشاه؟ متنبی در پاسخ گفت: عطای عضدالدوله بیشتر است لکن در آن تکلفی هست و صلوات سیف الدوله کمتر ولی از روی اقبال طبع و عدم تکلف بود.

عضدالدوله بسال ۳۷۲ هجری قمری در گذشت کالدش را به نجف برده در جوار روضه متبر که بخاک سپردند... تجدید عمارت مشهد علوی از آثار اوست که نادر شاه افشار بر زیبایی و شکوه آن افزوده است.

در بازگشت متنبی بعراق اعراب «بنوضبه» نیمشب در محلی میان شهر واسط و بغداد بر سر مسافرین ریختند و رئیس ایشان «فاتک بن ابی جهل اسدی» بود. جنک در گیر شد، متنبی احساس ضعف کرده خواست عنان بگرداند، غلامش مفلح گفت: فرار برای گوینده این شعر زیبنده نیست:

فالنخيل والليل والبيداء يعرفني
والسيف والرمح والقرطاس والقلم

بازگشت و حمله کرد، خود و پسرش محمد و غلامانش کشته شدند «شهر رمضان سال ۳۵۴». جادارد، با مراجعه بکتاب تاریخی و ادبی عرب، رساله مستقلی راجع بدر بار باشکوه عضدالدوله دیلمی که همجمع اهل فضل و میعاد گاه اساتید علم و ادب بوده است تألیف شود. - کتب تاریخ و ادب تازی بر از مدارك سودمند است که میتوان برای تکمیل تاریخ این سلسله ترجمه کرد.